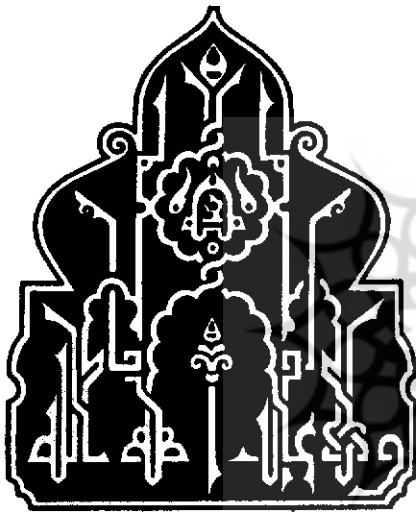


## تاریخ زندگانی پیامبر اکرم (ص)

معرفی کتاب زندگانی محمد (ص)، با نظر به مسئله منابع و مآخذ

• دکتر لیلا هوشنگی



- The Biography of Muhammad, Issue of the sources,
- edited by: Harald Motzki\*
- Brill, Leiden, 2000

بنیانگذاران ادیان همیشه نوع بشر را مجذوب خویش کرده‌اند. شیفتگی و دلبستگی به آنان منحصر به پیروانشان نیست، بلکه برای کسانی که به تمایز فرهنگی و اعتقادی آنان از دیگر افراد بشر وقوفی دارند و نیز برای کسانی که در جستجوی توضیحی برای ویژگی‌های آنان می‌باشند جذابیت داشته و دارند.

به این ترتیب، زندگانی محمد (ص)، شخصیت کانونی اسلام، هم در سنت مؤلفان مسلمان و هم در مطالعات اسلامی که به صورت تحقیقات دانشگاهی از سده نوزدهم آغاز شده، آثار بسیاری را به خود اختصاص داده است. از سویی مسلمانان از همان اوان اسلام، و حتی دوره حیات شخص پیامبر اکرم (ص) در سبک مغازی نویسی به ثبت و ضبط وقایع پرداخته‌اند و همچنان تا حال حاضر یکی از مهم‌ترین سبک‌های نگارشی در سنت اسلامی، سیره نویسی است. از سوی دیگر، با شروع مطالعات اسلامی، تحقیق و تفحص درباره حیات پیامبر اسلام در کانون توجه محققان غربی قرار گرفت، به گونه‌ای که این مطالعات و تحقیقات را می‌توان در حد پژوهش درباره زندگی عیسی دانست. در هر دو مورد بحث مناقشه‌آمیز اساسی عبارت است از صحت و سندیت تاریخی منابع و مآخذ.<sup>۱</sup>

آیا در گزارش تاریخ صدر اسلام، منابع و مآخذ شناخته شده تماماً از نقد تاریخی سربلند بیرون آمده‌اند؟ آیا گزارش‌های این مآخذ حاکی از امرواقع‌اند و مبین حقایق ثابت و مسلم تاریخی‌اند؟ اگر اعتبار و سندیت تاریخی آنها زیر سؤال رفته، برای دستیابی و شناخت دقیق تاریخی از این دوره باید به چه منابعی اتکا و استناد کرد؟ پرسش از اعتبار و سندیت تاریخی منابع و مآخذ مرسوم میان مسلمانان، پرسشی است مبنایی که نمی‌توان از آن تغافل کرد. در سه دهه اخیر، چاپ آثاری ناظر به این پرسش، آن‌را به یکی از جنجالی‌ترین عرصه‌های پژوهشی در مطالعات

اسلامی بدل کرده است. اهمیت و جذابیت خاص این حوزه به گونه‌ای است که جز متخصصان، محققان دیگر حیطه‌ها نیز بدان اعتنا کرده‌اند. از نظر روش‌شناسی و تجزیه و تحلیل روش‌های پژوهشی کنونی در مطالعات اسلامی، اسلام از سه منظر مورد تحقیق قرار می‌گیرد، در مقام دین، تمدن و فرهنگ. در هر سه وجه، شخصیت و حیات پیامبر اسلام نقطه آغازین بحث است. از این رو این حوزه شاه‌کلید مطالعات و تحقیقات گوناگون در مطالعات اسلامی به شمار می‌رود. در این مقاله در نظر داریم با مرور سریع پیشینه مطالعات محققان غربی درباره زندگانی پیامبر اکرم (ص)، به ویژه نقادی تاریخی منابع این حوزه در جریان‌های مختلف سده اخیر، جایگاه مجموعه مقالات زندگانی محمد (ص) به ویراستاری موتسکی را به نحوی مطلوب روشن سازیم. در میانه سده هجدهم، هنگامی که ادوارد گیبون (۱۷۳۷-۱۷۹۴م)، مورخ شهیر انگلیسی، در اثر برجسته انحطاط و سقوط امپراتوری روم (در ۶ جلد)، فصلی مستقل را به زندگی پیامبر اسلام و برهه‌های تاریخی صدر اسلام اختصاص داد، عملاً در این راه طرحی نو را در افکند. گیبون به آثار مسیحیانی که شرح حالی از پیامبر اسلام

شده‌اند. همین تفسیر از تاریخ خود سبب شد تا مطالعه تاریخ، به طور عام، اهمیت روزافزونی یابد. به این ترتیب محققان دوره روشنگری به طور خاص به مطالعه تاریخ اسلام علاقه‌مند شدند، اما همچنان زندگی پیامبر، و نیز فتوحات خلفای راشدین، بیشتر از حوزه‌های دیگر مورد توجه بود.

همان‌گونه که اشاره شد روش گیبون در گزارش زندگانی پیامبر اسلام نقطه عطفی در سیر این‌گونه نگارش‌ها به‌شمار می‌آید. او محمد (ص) را مردی با نیروی معنوی نمایانده که در عزت خود در مکه، به درکی عمیق و تحسین‌برانگیز از توحید ناب دست یافته است. اما پس از هجرت به مدینه صاحب اصحابی شده و قدرت نظامی یافته است. تاکید بر نکته اخیر مبین اتهام کهن مسیحیت است به اسلام مبنی بر این که اسلام، ایمان را زیر سایه شمشیر گسترش داده است؛ با وجود این، دیدگاه کلی گیبون به محمد (ص) کاملاً مثبت است. گفتنی است تفکیک این دو دوره از حیات پیامبر اسلام، محمد (ص) در مکه و محمد (ص) در مدینه، در تحقیقات کنونی نیز امری شایع و متداول است؛ برای نمونه، اثر ونسینگ با عنوان محمد و یهودیان مدینه و دو کتاب موننگمری وات؛ محمد در مکه و محمد در مدینه.

بدین سان، این محققان کوشیده‌اند تا درباره مقام معنوی و بدین سان، این محققان کوشیده‌اند تا درباره مقام معنوی و چگونگی رهبری محمد (ص) به ملاک‌هایی دست یابند، فارغ از این که وی را پیامبری حقیقی بشناسند. این محققان درصدد کشف محمد «تاریخی» هستند و این‌گونه آثار مربوط به شرح حال زندگانی پیامبر نزد مسلمانان گاه پذیرفته شده و گاه به شدت مورد مخالفت قرار گرفته است.

در این میان چند اثر درباره زندگانی پیامبر اسلام بسیار جنجال‌برانگیز بوده است: یکی اثر ویلیام مویر با عنوان زندگانی محمد بر اساس منابع اصیل<sup>۱</sup> که در میان مسلمانان ساکن شبه‌قاره هند واکنش شدیدی را برانگیخت و دیگری آیات شیطانی سلمان رشدی. البته اثر نخست مدعی است که جستجویی محققانه درباره محمد تاریخی است؛ در حالی که اثر دوم صرفاً یک رمان تخیلی است. هر دو اثر این وجه مشترک را دارند: بورش و تهاجم به احساسات مسلمانانی که «زندگانی» محمد (ص) را در حد قرآن، مقدس می‌دانند. اثر دیگری که به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، اما نه به اندازه دو اثر قبلی، کتاب حیات محمد (ص)<sup>۲</sup> اثر محمد حسنین هیکل، روزنامه‌نگار مصری، است. در این اثر، گزارشی خلاف اعتقادات سنتی و مرسوم مسلمانان از حیات پیامبر ارائه شده بود.

گذشته از رویکرد نه‌چندان هم‌لایه و بهتر است بگوییم بدبینانه به پیامبر اسلام، بیش از هر چیز امری روش‌شناختی در حوزه تاریخ صدر اسلام و حیات پیامبر اکرم (ص) جریان ساز شد، همان‌گونه که اشاره شد بحث مناقشه‌آمیز صحت و سندی تاریخ منابع و مأخذ

نوشته بودند اندک اعتنایی نکرد، زیرا این آثار مملو از هتاک‌ها و افترا بودند. گیبون به جای آن به تحقیقات بسیار نوپای محققان اروپایی اعتماد کرد و با اتکا به گزارش‌های سیاحان و جهانگردان، این فصل را تدوین کرد.

این رویکرد نوین برخاسته از فهم جدیدی بود که در طی دوره روشنگری نسبت به دین پدید آمده بود. در این عصر این ایده رشد یافت که دیگر مردمان دین‌هایی دارند و نمی‌توان این ادیان را به سادگی بدعت یا تحریفی از مسیحیت دانست.

همین امر، در تغییر مواضع محققان بسیار جریان ساز بود. آغاز تدریس زبان عربی در مؤسسات علمی و دانشگاه‌های اروپایی به همین دوره باز می‌گردد. در این میان، زندگی و ابلاغ پیام محمد (ص)، در مقام پیامبر، همچنان بیشتر از حوزه‌های دیگر، نظر اغلب محققان را در مطالعات دینی و اسلامی به خود جلب می‌کرد و بدیهی بود که این موضع نوین سبب می‌شد تا گزارش‌هایی متفاوت پدید آید.

پیش از این، نگارش‌هایی که به اسلام و زندگانی پیامبر می‌پرداخت، در قالب مناظرات و مجادلاتی بود که میان رؤسای دینی طرفین درگرفته بود. به طور کلی، مواجهه مسیحیان با مسلمانان را تا پیش از دوره جدید می‌توان این‌گونه ترسیم کرد:

مسیحیان شرقی که در جوامع اسلامی و تحت حاکمیت حکام اسلامی به سر می‌بردند. از نظر آنان اسلام فرقه‌ای مبتدع و انحرافی از مسیحیت بود. آنان مسلمانان را در آثار خود که بیشتر در قالب ردیه‌نویسی بود، با نام اسماعیلیان (فرزندان اسماعیل که زاده‌هاجر بودند) معرفی می‌کردند. به تبع، گزارش آنها درباره پیامبر هم مبتنی بر این دیدگاه و از موضع رد و طرد بوده است. اما مسیحیان غربی یارومی که بیشتر با مسلمانان ساکن در اسپانیا آشنایی داشتند، مسلمانان را هم ردیف اقوام آلمانی و اسلاوها می‌انگاشتند، یا این که اسلام را مانند مانویت حرکتی بدعت‌آمیز می‌دانستند. در هر صورت، مسلمانان یکی از چند دشمن جهان مسیحیت شناخته می‌شدند. در جنگ‌های صلیبی (قرن یازدهم) بود که اروپاییان با نام «محمد» آشنایی یافتند. باری، در تمام نگارش‌های مسیحیان - یهودیان - درباره اسلام و ترجمه قرآن این ذهنیت حاکم بود که اسلام بدعت است و فرقه‌ای انحرافی.

در پی بروز فهمی جدید از دین در عصر روشنگری، نکته دیگری نیز سبب توجه بیشتر به حیات پیامبر اسلام شد: از نظر مسیحیان اصلاح‌گر، پیامبر اسلام زندگانی کاملاً متفاوتی با عیسی داشت. در حالی که محمد (ص) مردی بود اهل زن و فرزند و سیاستمدار، عیسی اهل رهبانیت و زهد بود؛ زندگانی پیامبر اسلام در تاریخ الهی و مقدس، الگویی را ارائه می‌داد تا مانع از خطای مسیحیان شود. گروهی از مسیحیان اصلاح‌گر قائل بودند خداوند از قرن هفتم اسلام را آشکار ساخت تا هدايتگر مسیحیانی باشد که گرفتار تحریف در ایمان و عمل

آنهاست. وات، به فاصله اندکی پس از چاپ کتاب ساخت در سال ۱۹۵۰ به مطالعه تاریخ زندگانی پیامبر اکرم پرداخته، او به منابع و مأخذ متقدم، از جمله متون حدیثی، مراجعه و استناد کرده است. از نظری این متون سندیت تاریخی دارند و با ذهن نقاد می توان به بخشی از آنچه واقعاً رخ داده دست یافت.<sup>۱۰</sup>

با نظر به این پیشینه است که می توان گفت نویسندگان کتاب زندگانی محمد (ص)<sup>۱۱</sup> که موسیقی و ویراستاری مجموعه مقالات آنها را بر عهده داشته است، با پرسش های تاریخی درباره حیات پیامبر اکرم جسورانه و در عین حال خوش بینانه درگیر شده اند. آنها مدعی نیستند در همه مقالات این مجلد، تاریخ واقعی و حقایق مسلم به دست داده شده است. بلکه این نویسندگان که در مراکز علمی متعددی در نقاط مختلف جهان مشغول به کارند، با رویکردهایی جدید کوشیده اند تا به بازسازی منابع، معرفی و شناسایی منابع غیر اهل سنت و تعیین ارزش تاریخی احادیث بپردازند.

این مجموعه مقالات در دو بخش تنظیم شده است، در بخش نخست به شکل گیری سنت سیره نویسی و در بخش دوم به ارزش و اعتبار تاریخی اطلاعات مندرج در منابع شرح حال نویسی پرداخته شده است. هر یک از مؤلفان ده مقاله این مجموعه با علم به تمام معضلات و مشکلات، درباره موضوعات مقالات خود بسیار با احتیاط سخن می گویند. سه مقاله زیر گزارش هایی مفصل از مطالعه موردی درباره دوره هایی خاص از حیات پیامبر است: «آیا پیش از هجرت قریش با انصار معاهده ای بسته بودند؟» (ص ۱۵۷ - ۱۶۹) نوشته مایکل لکر<sup>۱۲</sup>؛ «قتل ابن ابی حقیق: خاستگاه و اعتبار برخی گزارش های مغازی» (ص ۱۷۰ - ۲۳۹) نوشته هارالد موتسکی؛ «حدیثی تاریخی درباره حدیبیه، مطالعه گزارش عروة بن زبیر» (ص ۲۴۰ - ۲۷۵) اثر آندراس گروکه<sup>۱۳</sup>. اما سه مقاله زیر فحوائی بسیار کلی تر و عام تر دارند: مقاله «محمد (ص) در قرآن: قرائت متن مقدس در قرن بیست و یکم» (ص ۲۹۸ - ۳۰۹) به قلم انبرو ریپین<sup>۱۴</sup> به ویژه این خصوصیت را بیش از مقالات دیگر داراست؛ مقاله «حیات محمد (ص) و تصویر اسلامی از آن» (ص ۱۲ - ۱۷) اثر اوری روبین<sup>۱۵</sup>؛ «سیره و پرسش از حدیث» (ص ۴۹ - ۶۶) نوشته آدرین لیتز<sup>۱۶</sup>.

در چهار مقاله دیگر به مطالعه و بررسی سبک های نگارشی یا مجموعه منابع و مأخذی خاص پرداخته اند: «سیره و تفسیر» [گزارش] محمد الکلینی درباره یهودیان مدینه» (ص ۱۸ - ۲۸) اثر مارکوشولر<sup>۱۷</sup>؛ «مغازی موسی بن عقبه» به قلم گرگور شولر<sup>۱۸</sup>؛ «سیره اهل الکساء، منابع متقدم شیعی در باب زندگانی محمد (ص)» (ص ۹۸ - ۱۵۲) نوشته ماهر حرار<sup>۱۹</sup> و «قدیمی ترین مکتوبات مسیحی درباره محمد (ص): نزدیک آریایی» (ص ۲۷۶ - ۲۹۷) اثر روبرت ج. هولیند<sup>۲۰</sup>. تمامی این مقالات بهره مند از تشریح سلیس و روان، برخورد از

تحقیقات دانشگاهی درباره حیات پیامبر اسلام در غرب در نیمه اول قرن نوزدهم آغاز شد. و عمده منابع این تحقیقات عبارت بود از قرآن، احادیث (صحاح)، مغازی و اقدی، سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد و تاریخ طبری.

در سال ۱۸۹۰، گلدتسیهر در اثرش با عنوان مطالعات اسلامی<sup>۲۱</sup> شدیداً به نقد منابع حدیثی و سندیت آنها پرداخت. در قرن بیستم، این شکاکیت در آثار محققانی مانند لئون کنتانی<sup>۲۲</sup> و هنری لامنس<sup>۲۳</sup> در خصوص سندیت منابع مربوط به حیات پیامبر اکرم دامنه بیشتری یافت. شکاکیت افراطی به دیگر متون متقدم، مغازی، و سیره، نیز سرایت کرد و با اثر یوزف ساخت با عنوان خاستگاه های فقه اسلامی<sup>۲۴</sup> احادیث فاقد سندیت تاریخی معرفی شدند. این جریان را جان وانزبرو<sup>۲۵</sup> تداوم بخشید و از آن هم پیشتر رفت و به نقد متن مقدس پرداخت.

در این سیر، در اواسط دهه ۷۰ میلادی، اثری به چاپ رسید که کانون مناقشات و جنجال های بسیاری در حوزه مطالعات اسلامی و تاریخ صدر اسلام و زندگانی پیامبر گردید: اثر پاتریشیا کرونه<sup>۲۶</sup> و مایکل کوک<sup>۲۷</sup> به نام هاجر بیسم: آفریدن جهان اسلام<sup>۲۸</sup> با رویکردی خاص در نقادی منابع تاریخ صدر اسلام، تمام تحقیقات پیشین را به چالش طلبیدند. پاتریشیا کرونه - که «شکاک شرور»<sup>۲۹</sup> خوانده شده - تمامی منابع و مأخذ مرتبط با صدر اسلام را فاقد صحت و اعتبار تاریخی نشان داده و تمام گزارش های موجود از این دوره را بر ساخته مسلمانان نمایانده است. اتکای این دو مؤلف عمدتاً به منابع غیر اسلامی - به ویژه آثار سریانی - بوده و به استناد آنها به بازسازی وقایع تاریخی صدر اسلام دست زده اند.

این کتاب بر جنبه های گوناگون مطالعات اسلامی سایه افکنده و محققان را، به ویژه در مطالعه تاریخ صدر اسلام، با پیچیدگی ها و ابهام های فراوان روبرو کرده، به گونه ای که دیگر آن اطمینان خاطر که محققان در مراجعه به منابع اصلی و اصیل داشتند رخت بر بسته است.

نیاز جدی به بازخوانی اطلاعات و مطالب کهن احساس می شود. محققان در مواجهه با این مناقشه جدی کوشیده اند به مکتوباتی که تاکنون مغفول بوده و عمدتاً به زبان های دیگری جز عربی - سریانی، ارمنی، عبری، یونانی و پهلوی - نگاشته شده اند مراجعه کنند. در این میان آثار مؤلفان غیر اهل سنت، به ویژه گزارش های شیعی، بسیار مورد توجه قرار گرفته اند زیرا هم متقدم اند و هم نوع گزارش آنها با منابع اهل سنت متفاوت است، اما همچنان در نهایت، به دست دادن نتیجه ای دال بر حقیقت مسلم و ثابت تاریخی، کاری است دشوار و بیشتر نتایج در هاله ای از ابهام و تردید قرار دارند.

به رغم سيطرة این دیدگاه، محققانی با روش و نگرش متفاوت به نگارش هایی در این حوزه دست زده اند؛ مونگمری وات از جمله

2. hard fact
3. *The Life of Muhammad From Original Sources*
4. *Satanic Verses*
5. *The Life of Muhammad*. translated by Ismail Raji al-Faruqi, 1976

اصل اثر به عربی در سال ۱۹۳۵ در قاهره به چاپ رسیده بود و مترجم ویرایش هشتم را به انگلیسی برگردانده است.

6. *Muhammedanische Studien*
7. Leon Caetani
8. Henry Lammens
9. Joseph Schacht, *The Origins of Muhammadan Juris Prudence*
10. John wansbrough
11. Patricia Crone
12. Michael Cook
13. *Hagarism: The making of the Islamic world*
14. arch-Sceptic

۱۵. در مورد آثار فردی مانند کتاب مسئله جانشینی حضرت محمد (ص) اثر ویلفرد مادلونگ باید گفت محققان غربی این گونه آثار را خوش باورانه تلقی کرده‌اند. در مجموع این اثر مورد نقادی تندى قرار گرفته است.

16. *The Biography of muhammad*
17. Michael Lecker
18. Andreas Groke
19. Andrew Rippin
20. uri Rubin
21. Adrien Leites
22. Marco Scholler
23. Gregor Scoeler
24. maher Jarrar
25. Robert G.Hoyland

نظم مطلوب، در بردارنده اطلاعات بسیار و از همه مهم تر منعکس کننده جدیدترین پیشرفت های روشی در مطالعه حیات پیامبر اسلام اند. از این رو این اثر در مطالعات اسلامی نقشی بسیار مهم و جایگاهی ارزشمند دارد. به گفته ویراستار، این مجموعه مقالات می تواند آغازی برای پژوهش های بعدی با به کارگیری روش های نوین باشد.

در عین حال باید متذکر شد این اثر گره گشای بسیاری از مسائل تاریخ صدر اسلام نیست و حتی واقعیات مسلم تاریخی را از این دوره به دست نمی دهد، اگر چنین بود جامعیت بیشتری داشت. با این همه، گامی بلند به جلو، و گشاینده روزنه امیدی به سمت تحقیقات سودمند و حاوی اطلاعات ناب تاریخی است. این خود، تاحدی بر فضای تردید و بی اعتمادی حاکم بر مطالعات این عرصه شعاعی از نور امید تابانیده است، امید به یافتن حقایق مسلم و واقعیات تاریخی. البته باید متوجه بود همیشه در حوزه های پژوهشی تاریخی عنصری از عدم اطمینان وجود دارد.

پی نوشت ها:

\*هارالد موتسکی، دارای درجه دکتری مطالعات اسلامی از دانشگاه بن (۱۹۷۸) و استاد دانشگاه هامبورگ درباره تاریخ اجتماعی و اعتقادی اسلام آثار متعددی دارد.

عمده منابع این گزارش عبارت است از مقدمه اثر معرفی شده به قلم ویراستار، و مقاله نقد و بررسی این مجموعه به قلم

Jaakko Hameen-Anttila در مجله *Acta Orientalia* Vol 64, LXIV, Blackwell, 2003, pp. 255-258

و سه مقاله از دانشنامه جهان معاصر اسلام، چاپ آکسفورد (MIW) با مشخصات زیر:

- "Islamic studies", by Richard Martin, Vol 2. pp. 325-331
- "Muhammad: Life of the Prophet", by Alford T. Welch, Vol. 3, pp 153-161
- "Muhammad: Biographies", by Gordon D. New by, Vol. 3, pp 162-164